

شعر فارسی از قرن ششم تا نهم هجری

دکتر ناصر نیکوبخت

تهران

۱۳۹۲

سرشناسه: نیکوبخت، ناصر، ۱۳۳۹-

عنوان و نام پدیدآور: شعر فارسی از قرن ششم تا نهم هجری / ناصر نیکوبخت.
 مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی و مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: شش، ۱۴۶ ص.
 فروست: «سمت»؛ ۱۶۷۶. بین الملل؛ ۲۰. زبان و ادبیات فارسی؛ ۸۲.
 شابک: ۲-۸۶۷-۵۳۰-۹۶۴-۹۷۸ ۳۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: بهت جلد به انگلیسی:

Naser Nikoubakht. The Persian Poetry from 6th to 9th Century (H).

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۳۸-۱۳۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: شعر فارسی - تاریخ و نقد

موضوع: شعر فارسی - مجموعه ها

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
 شناسه افزوده: انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی و مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۶۲۰۰۴ PIR ۳۵۴۸/۵

رده بندی دیویی: ۸۱۰/۰۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۸۲۴۵۸



شعر فارسی از قرن ششم تا نهم هجری

دکتر ناصر نیکوبخت (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)
 سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛
 انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی و مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس
 چاپ اول: تابستان ۱۳۹۲
 تعداد: ۵۰۰

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: «سمت»
 قیمت در ایران: ۳۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشنده آن و عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشران یا مؤلف، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، رویه روی پمپ گاز، کد پستی: ۱۴۶۳۶
 تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷. info@samt.ac.ir www.samt.ac.ir
 تهران، خیابان کارگر شمالی، خیابان شهریور، خیابان سیندخت شمالی، کوچه فتاح الجنان (زیرین سابق)،
 نشانی: پلاک ۳، طبقه اول، انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی، تلفن: ۸۸۳۳۰۱۵۹، نمابر: ۸۸۰۰۹۰۵۶.
 www.anjomanfarsi.com

تهران، خیابان کارگر شمالی، خیابان شهریور، خیابان سیندخت شمالی، کوچه شهید فتاح الجنان (زیرین سابق)، پلاک ۳، طبقه اول، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تلفن: ۸۸۶۳۰۲۳۰-۳، نمابر: ۸۸۰۰۹۰۵۶.
 www.modares.ac.ir/reu/ctr/pll

سخن ناشر

تألیف و چاپ متون درسی برای آموزش دانشجویان غیر فارسی زبان رشته زبان و ادبیات فارسی، یکی از مهم ترین نیازهای دانشگاهها و مراکز علمی و آموزشی است که بدین مهم اشتغال دارند. از این رو، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس با همکاری انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی، تألیف کتابهایی را برای تدریس در این مراکز در دستور کار خود قرار داده اند. کتاب حاضر یکی از مجموعه متون درسی مذکور است که با همکاری نهادها و مراکز مورد اشاره و مشورت و نظارت شورای علمی بین المللی «سمت» تهیه شده است.

سرپرستی تألیف این سلسله متون را آقای دکتر غلامحسین غلامحسین زاده عهده دار بوده است و اعضای شورای تصمیم گیری را افراد ذیل تشکیل می داده اند: دکتر احمد احمدی، دکتر محمدابراهیم خدایار، دکتر محمدجواد ابوالقاسمی، دکتر سید طه مرقاتی، دکتر حسین هاجری و دکتر محمدرضا سعیدی.

از کلیه استادان و دانشجویان عزیز، تقاضا دارد، با ارائه پیشنهادهای خود، دست اندرکاران را در ارتقاء کیفیت این کتاب و رفع اشکالهای آن در چاپهای بعدی و همچنین تألیف سایر کتب مورد نیاز دانشجویان و مراکز علمی غیرایرانی، یاری فرمایند.

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۳	مقدمه
۱۳	فصل اول: شاعران مکتب ادبی خراسان
۱۴	معرفی برخی از برجسته‌ترین شاعران مکتب ادبی خراسان
۱۴	سید حسن غزنوی
۱۷	سوزنی سمرقندی
۱۹	رشید وطواط
۲۳	ادیب صابر ترمذی
۲۷	فصل دوم: شاعران مکتب ادبی بینابین (سبک سلجوقی)
۳۰	ویژگیهای شعر مکتب ادبی بینابین (سبک عصر سلجوقی)
۳۲	مضامین و موضوعات عمده شعر
۳۳	معرفی برخی از برجسته‌ترین شاعران مکتب ادبی بینابین
۳۳	عبدالواسع جبلی
۳۶	انوری
۴۳	قوامی رازی
۴۵	اثیرالدین اخسیکتی
۴۸	جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی
۵۰	ظہیر فاریابی
۵۴	فصل سوم: شاعران مکتب ادبی آذربایجان
۵۴	ویژگیهای مکتب ادبی آذربایجان
۵۶	معرفی برخی از برجسته‌ترین شاعران مکتب ادبی آذربایجان
۵۶	فلکی شروانی
۵۷	خاقانی

۶۲	مجیر بیلقانی
۶۵	نظامی گنجه‌ای
۷۲	فصل چهارم: شاعران مکتب ادبی عراق
۷۳	ویژگیهای سبکی شعر این دوره
۷۴	معرفی برخی از برجسته‌ترین شاعران مکتب ادبی عراق
۷۴	کمال‌الدین اصفهانی
۷۷	عطار
۸۵	مولوی
۹۶	عراقی
۹۸	سعدی
۱۰۹	سیف فرغانی
۱۱۲	اوحدی مراغه‌ای
۱۱۵	خواجوی کرمانی
۱۱۹	ابن یمین
۱۲۳	عبید زاکانی
۱۲۸	سلمان ساوجی
۱۳۲	حافظ
۱۳۸	منابع و مآخذ
۱۴۰	واژه‌نامه

پیشگفتار

متن حاضر دومین جلد از مجموعه ده جلدی متون نظم و نثر فارسی از آغاز پیدایش تا امروز است که به عنوان بخشی از سر فصل دوره آموزشی مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری پیوسته دانشجویان غیر ایرانی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاهها در نظر گرفته شده است. جلد اول این مجموعه، ضمن تبیین پیدایش اولین نمونه‌های شعر فارسی، به معرفی برجسته‌ترین شاعران پارسی‌گوی نیمه‌های قرن ششم و گزینشی از اشعار آنان بر اساس نوع ادبی حماسی، غنایی و تعلیمی تخصیص یافت. در این جلد کوشش شده ادامه سیر شعر فارسی بر اساس تفکیک مکتب ادبی شاعران (سبک شعری دوره) و سیر تاریخ پیدایش آثار شعری، تحت عنوان «شعر فارسی از قرن ششم تا نهم هجری» تحقیق و تدوین گردد. شایان ذکر است که در این کتاب:

۱. با توجه به کثرت تعداد شاعران و دیوانها و منظومه‌های پدید آمده در این دوره، و با توجه به محدودیت کتاب، تنها به معرفی شاعران برجسته و گزیده‌ای از نمونه شعری آنان بسنده شده است.

۲. در معرفی هر شاعر کوشش شده، به زندگی، تاریخ سیاسی و اجتماعی عصر شاعر، آثار، سبک و نمونه‌های شعری وی توجه شود.

۳. به جهت اختصار و پرهیز از هرگونه حجم‌گرایی - به جز مناسبت‌های ویژه‌ها و اصطلاحات مشکل متن بر اساس نوع مخاطب - از توضیحات زائد بر متن اجتناب شده است.

۴. در تدوین این اثر از دیوان شاعران، تذکره‌ها، کتابهای تاریخ ادبیات و پاره‌ای منابع مرتبط با موضوع استفاده شده است و در کتابنامه فقط به منابعی اشاره شده که به گونه‌ای از آنها نقل قول مستقیم شده است و در پانویست معرفی شده‌اند.

در پایان شایسته است از آقایان حسین میکائیلی و حسن حیدرزاده سردرود،

دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، که در تهیه پاره‌ای نمونه‌های شعری نگارنده را یاری رسانده‌اند، سپاسگزاری کنم.

مطالعه و تدوین این اثر در امتداد طرحهای تحقیقاتی مصوب مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس و همکاری سازمان مطالعه و تدوین کتابهای علوم انسانی (سمت) است؛ بنابراین وظیفه خود می‌دانم سپاسدار اعضای علمی این مرکز و مسئولان سازمان «سمت» باشم.

اعضای علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، بویژه جناب آقای دکتر غلامحسین غلامحسین زاده در همراهی و همدلی و هدایت علمی این اثر بسیار راهگشا بوده‌اند، صمیمانه قدردان زحمات آنانم.

بدون تردید، نقد و نظر ارباب فضل و ادب در رفع کاستیها و بهبود این اثر، موجب خرسندی مؤلف خواهد بود و پیشاپیش سپاس و قدرشناسی خویش را ابراز می‌دارد.
«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین».

ناصر نیکوبخت

بهار ۱۳۹۲

مقدمه

تاریخ ادبی ایران در قرنهای ششم تا نهم هجری قمری، از مهم‌ترین ادوار تاریخ ادبیات فارسی است؛ چرا که بزرگ‌ترین و مشهورترین شاعران ایران‌زمین در این دوره تاریخی زیسته‌اند و برجسته‌ترین شاهکارهای ادبی فارسی - بجز شاهنامه - محصول این دوران است. تاریخ سیاسی و ادبی ایران در این دوره را می‌توان به دو دوره قبل و بعد از حمله مغول تقسیم کرد. پس از فروپاشی سلسله ساسانی و تصرف حوزه اقتدار آنان به دست عربهای مسلمان، تقریباً در حدود دو قرن حکومت مستقلی در ایران‌زمین وجود نداشت و امور مملکت را خلفای اسلامی اداره می‌کردند. بعد از این دو قرن، اندک اندک حکومت‌های نیمه مستقلی در شرق ایران تأسیس شد و سپس نوبت به حکومت‌های مستقل رسید که اوج قدرت این حکومت‌ها را می‌توان در حکومت سامانیان شاهد بود. در زمان سامانیان، ترکان غزنوی به سپهسالاری و امیری لشکر رسیدند و سپس با برافکندن مخدومان خود و دیگر رقبا، خود حکومت مستقل و قدرتمندی تشکیل دادند. اوج اقتدار حکومت غزنویان در زمان سلطنت سلطان محمود غزنوی بود. بعد از مرگ او در زمان سلطان مسعود غزنوی، گروهی دیگر از قبایل ترک (سلجوقیان) به سرکردگی طغرل توانستند بر مناطق شمال و شرق خراسان سیطره یابند و آنگاه در جنگ معروف «دندانقان» در حدود سال ۴۲۹ هجری بر او پیروز شده، او را از خراسان بیرون برانند.

طغرل سلجوقی بعد از پیروزی بر غزنویان، مرکز حکومت را از غزنه به نیشابور منتقل کرد. وی برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود، در پی کسب رضایت خلیفه عباسی بغداد برآمد و در برخی امور از سیاست‌های خلیفه پیروی کرد. بعد از طغرل، آلب ارسلان به حکومت رسید. این دو از قوی‌ترین پادشاهان سلجوقی بودند که معمولاً اداره امور مملکت را به وزرای کاردان ایرانی خود می‌سپردند. عمیدالملک کُندری و خواجه نظام‌الملک، دو تن از این وزیران خبره و برجسته بودند. از مشهورترین و مهم‌ترین کارهای آلب ارسلان

جنگ او با امپراتور بیزانس (روم شرقی) بود. او در سال ۴۶۳ هجری توانست در منطقه ملازگرد، امپراتور بیزانس را شکست دهد و خود او را اسیر کند. بدین ترتیب برای اولین بار حکومتی ایرانی و اسلامی توانست حکومت آسیای صغیر را به دست گیرد و باعث گسترش دین اسلام و ادبیات فارسی در این نواحی شود. بعد از آلبارسلان، پسر او ملکشاه سلجوقی به حکومت رسید. او نیز در پی گسترش حکومت خود در آسیای صغیر و شام بود. وی همچنین بقایای حکومت‌های محلی مثل صفاریان و غزنویان و ... را پاکسازی کرد و آنگاه اصفهان را مقر و پایتخت خود قرار داد. وی در نظام بخشیدن به امور مملکت از وزیر با تدبیر خود، خواجه نظام‌الملک کمک می‌گرفت. بعد از مرگ ملکشاه و خواجه، حکومت وسیع سلجوقیان بشدت و بسرعت رو به ضعف نهاد. فقط در زمان سلطان سنجر سلجوقی بود که دوباره حکومت سلجوقیان قوام گرفت؛ اما در اواسط قرن ششم حکومت او نیز با دشمن و رقیب سرسخت دیگری به نام خوارزمشاهیان مواجه شده و در برابر آنان شکست خورد.

امپراتوری سلجوقی که از آسیای مرکزی در شرق شروع شده و تا سواحل مدیترانه در غرب کشیده شده بود، بعد از مرگ سلطان سنجر، تجزیه، و به چند بخش تقسیم شد. برخی از این بخشها که در نواحی شرق و مرکز ایران بودند، بزودی به دست خوارزمشاهیان و دیگر حکومتها برافتادند. از مهم‌ترین شعبه‌های سلجوقیان پس از تجزیه شدن، می‌توان به اسامی زیر اشاره کرد: ۱) سلاجقه روم - که در آسیای صغیر حکومت می‌کردند - حتی بعد از حمله مغول به دلیل پذیرفتن ایللی مغولها تا حدود سال هفتصد هجری توانستند به حکومت خود ادامه بدهند. ۲) سلاجقه کرمان (قاوردیان) که طغانشاه آلبارسلان از مهم‌ترین شاهان این سلسله است و شاعرانی چون ابوعبدالله فرشی، ابوبکر ازرقی، ابومنصور بایوسف، شجاعی نسوی، احمد بدیهی، حقیقی و نسیمی از شاعران آن دوره‌اند. ۳) سلاجقه شام که تا سال ۵۱۱ هجری به حکومت ادامه دادند. ۴) سلاجقه عراق - که از مشهورترین پادشاهان آن، سلطان طغرل بن ارسلان است - به پرورش و تربیت شاعران شهرت دارند و از آن جمله می‌توان به تعدادی از شاعران که در خدمت آنها بودند، اشاره کرد: امیر عمادی، سید حسن غزنوی، مجیر یلقانی، احمد بن منوچهر شصت گله، اثیرالدین اخسیکتی، ظهیرالدین فاریابی، ابوالمعالی رازی، قوامی رازی، و ...^۱ برخی از این سلاجقه مثل سلاجقه

۱. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج دوم، چ ششم، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۳، ص ۲۲-۲۵.

عراق و روم اهمیت زیادی برای فرهنگ و ادب فارسی قائل بودند، چرا که بسیاری از شعرا را - که به اسامی بعضی اشاره شد - تحت حمایت خود درآوردند.

علاوه بر سلجوقیان، در این دوره اتابکان نیز در گوشه و کنار ایران حکومت‌های ملوک الطوائفی داشتند.

اتابکان

از اوایل حکومت سلجوقی رسم بر این بود چنانکه یکی از بزرگان و امیران سلجوقی می‌مُرد، حکومت او به طور موروثی به فرزندش می‌رسید. اگر این فرزند خُردسال بود و خود توانایی اداره امور را نداشت، حکومت، فردی را مأمور تربیت فرزند، و اداره امور ایالت او می‌کرد. این فرد، اتابک نامیده می‌شد. بعد از ضعف حکومت سلجوقی، سودجویان و امارت‌طلبان به بهانه حمایت از یک شاهزاده و اتابکی او، امارت را از چنگ امیران خردسال درمی‌آوردند و خود حکومت تشکیل می‌دادند. تعدادی از این اتابکان عبارت‌اند از: اتابکان دمشق، اتابکان زنکی، اتابکان مرسل، اتابکان شام، اتابکان سنجار، اتابکان الجزیره، اتابکان آذربایجان، اتابکان فارس، اتابکان یزد، اتابکان لرستان، که چهارتای اخیر در این مقطع تاریخی ایران از شهرت بیشتری برخوردار بوده‌اند.

برخی از این اتابکان، فاضل و دانش‌دوست بودند و از شاعران و ادیبان حمایت می‌کردند و در دیوان شاعران مدایح زیادی در وصف آنها به یادگار مانده است. اتابکان آذربایجان از سال ۵۳۱ تا ۶۲۲ هجری بر آذربایجان و گاه بر عراق حکومت می‌کردند. از امرای آنان شمس‌الدین ایلدگز و قزل ارسلان مشهور است. ظهیرالدین فاریابی و برخی دیگر از شعرا در مدح آنان شعر سروده‌اند. اتابکان فارس - که یازده نفر بودند - نیز از سال ۵۴۳ تا ۶۸۶ بر فارس حکومت می‌کردند. حکومت طولانی آنان بدین سبب بود که با خوارزمشاهیان و مغولان (حکومت‌های بعدی ایران) سازش کردند و توانستند با درایت و دوراندیشی از حملات و ویرانگری‌های آنان فارس را در امان نگه دارند و ملجأ و پناهگاه دانشمندان و ادیبان زیادی بشوند. سعد بن زنگی و ابوبکر بن سعد بن زنگی دو تن از این اتابکان هستند که عده زیادی از شاعران و مخصوصاً سعدی شیرازی از حمایت‌های آنان برخوردار بودند و این شاعران نیز از حکومت آنان به نیکی یاد کرده‌اند.

خوارزمشاهیان

خوارزم شهری معروف در جنوب دریاچهٔ آرال بود. از زمان قبل از اسلام، به پادشاهان خوارزم، «خوارزمشاه» می‌گفتند. در عصر غزنویان و سلجوقیان با آنکه خوارزم تابع این دو حکومت بود، همچنان امیر این شهر و منطقه را «خوارزمشاه» می‌نامیدند. ملکشاه سلجوقی یکی از درباریان خود به نام «نوشتگین» را به امارت خوارزم برگزید. وی و پسرش قطب‌الدین محمد هر چند در اداره امور استقلال داشتند، خود را تابع سلجوقیان می‌دانستند. بعد از قطب‌الدین محمد، پسرش «اتسز» به امارت خوارزم رسید. این زمان، معاصر دورهٔ هرج و مرج و ضعف حکومت سلجوقی بود. اتسز در این زمان ادعای استقلال کرد و چندین بار به حکومت سلجوقیان یورش آورد و با سلطان سنجر سلجوقی درگیر شد. سلطان سنجر هر بار او را شکست می‌داد؛ اما پس از اندک مدتی دوباره اتسز بر خوارزم مسلط می‌شد. بعد از اتسز، فردی به نام «تکش» به مقام خوارزمشاهی رسید. وی از ضعف و تجزیه شدن ممالک سلجوقی بعد از سلطان سنجر استفاده کرد و با استحکام قدرت، خراسان و مرکز ایران را نیز به سیطرهٔ خود درآورد و طغرل سوم، آخرین سلطان سلجوقی را شکست داد. تکش در جریان گسترش اراضی خود در غرب و جنوب، قصد درگیری با خلیفه عباسی را نیز داشت که به دلیل مرگ، موفق به این کار نشد. علت درگیری این بود که تکش می‌خواست، خلیفه عباسی، الناصر لدین الله، او را مانند غزنویان و سلجوقیان به رسمیت بشناسد؛ اما خلیفه از این کار روی برتافت. فرزند و جانشین تکش، سلطان محمد خوارزمشاه نیز چنین درخواستی را از خلیفه بغداد تکرار کرد، ولی خلیفه بار دیگر درخواست خوارزمشاهیان را رد کرد؛ از این روی وی نیز در پی لشکرکشی به بغداد برآمد، ولی در راه بغداد در شهر اسدآباد همدان بر اثر بارش برف زمینگیر شد و از ادامه راه باز ماند. سلطان محمد به کشورگشایی خود در ترکستان و افغانستان و آذربایجان ادامه داد. کشورگشایی سلطان محمد در نواحی شرقی قلمرو خود، از جمله ترکستان و افغانستان، و از طرفی گسترش اراضی مغولان در غرب قلمرو حکومت خویش، یعنی نواحی قفقاز، باعث همسایگی خوارزمشاهیان و مغولان شد. چنگیزخان مغول که در صدد افزایش روابط تجاری با ایران بود، هیأت بزرگی از تجار را به ایران روانه کرد. حاکم شهر مرزی «أترار» واقع در شرق ایران و مجاور مغولان، این هیأت و کاروان آنها را توقیف کرد و به بهانهٔ جاسوسی همه آنها را کشت و اموالشان را ضبط کرد. چون خبر به چنگیز رسید، با ارسال

پیکي، خواستار مجازات عاملان اين قتل شد؛ اما از آنجا که حاکم شهر اترار، غاير خان، خويشاوند مادري سلطان محمد بود و سلطان نيز در برابر مادرش و اقوام او استقلال رأي نداشت، موفق به چنين کاري نشد. آنها علاوه بر کشتار تجار، اين بار پيک خان مغول را کشتند. همين کارها خشم خان خونريز مغول را برانگيخت و بهانه‌اي براي يورش و حشيانه آنان به غرب ايران شد. آنان در سال ۶۱۶ هجري حمله و هجوم خود را آغاز کردند. سلطان محمد خوارزمشاه که با شنيدن اخبار رعب آور حمله مغولان و فجايع کشتار آنان در مغولستان و چين دچار وحشت و ضعف روحي شده بود، و همچنين بر اثر نبود اتفاق نظر عاملان حکومتي در خصوص چگونگي مواجهه با حمله مغول، قادر به پيش گرفتن روش صحيح و کارآمد دفاعي نبود؛ در نهايت تصميم گرفت لشکريانش را در شهرها پراکند تا آنها بتوانند در برابر هجوم مغولان از شهرها محافظت کنند. خوارزمشاه آنگاه که متوجه شد لشکريان مغول به سمت خوارزم حرکت کرده‌اند، به جاي مقاومت، بسرعت به طرف نواحی مرکزی ايران عقب‌نشینی کرد؛ بنابراین مغولان شهرهای بزرگ و آباد آن نواحی مثل بخارا و سمرقند و مرو را تسخير کردند و با کشتار و ويرانی و آتش‌زدن و غارت، وحشتی عميق در جان مردم ساير مناطق انداختند. مردم که اخبار قتل و غارت و آتش‌زدن و ويرانی و سنگدليهای مغولان را از فراريان شهرها می‌شنيدند و همچنين می‌ديدند که چگونه سلطان محمد خوارزمشاه با آن قدرت و لشکر، وحشت‌زده و هراسان از برابر مغولان می‌گريزد، شدت دچار وحشت و هراس می‌شدند و همين روحيه ضعیف، کار را براي هجوم و کشورگشایی مغولان آسان می‌کرد. چنگيز خان مغول علاوه بر تسخير شهرها، سپاهی جداگانه را مأمور تعقيب سلطان محمد کرد. سلطان که پيوسته در حال فرار بود، سرانجام به جزيره آبسکون در دريای خزر پناه برد و در آنجا از شدت غصه درگذشت. پس از سلطان محمد، پسر او جلال‌الدين محمد خوارزمشاه بنا به وصيت پدر به حکومت رسيد. وی فردی شجاع بود و در چندین جنگ در برابر مغولان ايستادگی کرد و حتی چند پيروزی کوچک نيز به دست آورد؛ اما آشفتگی اوضاع سپاه - که در شهرهای مختلف پراکنده بودند - همچنين اختلاف بزرگان بر سر جانشینی سلطان محمد، درگیری با خليفه بغداد و اسماعيليان مانع شد که جلال‌الدين توفيق بزرگی کسب کند. وی پس از یک دهه جنگ و گريز، در طی یکی از جنگها کشته شد و بدین ترتيب حکومت کوتاه‌مدت خوارزمشاهيان به طرز فجيعی به پايان رسيد.

اوضاع ادبی ایران در قرنهای ششم تا نهم

پس از روی کار آمدن ترکان سلجوقی و دستیابی بر قسمت اعظم متصرفات غزنوی، اوضاع ادبی ایران به یکباره دچار تحول و تغییر نشد و بسیاری از شاعران و نویسندگان عصر سلجوقی که پرورش یافتگان عصر غزنوی بودند، تا پایان قرن ششم به همان شیوه گذشته (سبک خراسانی) می‌سرودند و می‌نوشتند. سلجوقیان قومی ترک‌نژاد بودند که خط و زبان فارسی نمی‌دانستند و غالباً از خواندن و نوشتن بی‌بهره و با آداب و رسوم ایرانی نا آشنا بودند. آنان پس از برانداختن غزنویان، پایتخت خود را از غزنین به اصفهان منتقل کردند و همین انتقال مرکز قدرت، به تغیر تدریجی نوع سبک خراسانی انجامید.

با پیدایش مراکز سیاسی و ادبی و علمی خارج از ناحیه خراسان، ادب فارسی نیز متحمل تغییراتی شد. با روی کار آمدن سلاجقه، توجه به خانقاهها و بزرگداشت عرفا و متصوفه و ظهور شاعران بزرگ مروج اندیشه‌های عرفانی از جمله سنایی و عطار و مولوی، باعث شد که پاره‌ای از موضوعات و اصطلاحات صوفیانه به شعر راه یابد.

توسعه علوم و فنون ادبی و ظهور حکیمان با در مرتبه‌ای که در زمره شاعری به شهرت رسیدند، تأسیس خانقاهها و نظامیه‌ها، شعر را به حوزه علوم دینی سوق داد؛ در نتیجه شعر بتدریج از مدح ارباب قدرت و توصیف طبیعت و عشق زمینی و مسائل محسوس، به حوزه عرفان و حکمت و پند و اندرز و مسائل دینی گرایش یافت و لغات و اصطلاحات حوزه علوم اسلامی از جمله فقه، فلسفه، عرفان، کلام، و... در شعر جای پای پیدا کرد و بتدریج بسامد واژه‌ها و ترکیبهای عربی گسترش یافت. «در نظم و نثر این دوره توجه به لغات و ترکیبات و مثالهای عربی و آرایشهای لفظی رواج یافت. حتی برخی قواعد صرفی و نحوی عربی همراه لغات و ترکیبات عربی در زبان فارسی داخل شد... بیشتر شعرا و نویسندگان در غالب علوم عهد خویش استاد یا از آنها مطلع بودند؛ به همین سبب اصطلاحات و لغات این علوم نیز در شعر وارد شد. علاوه بر این، برخی شعرا مانند انوری، لغات و ترکیبات مردم عامه را در شعر خود به کار بردند و این خود مایه غنی‌تر شدن زبان فارسی شد.»^۱

با پیدایش و گسترش نثر مصنوع در این دوره، شعر نیز به سمت پیچیدگی لفظ و معنا

۱. فرهنگنامه، زیر نظر رضا اقصی، ج هفدهم، چ اول، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی و مؤسسه

تمایل یافت. همزمان با ایجاد سبک بینابین در نثر فارسی؛ یعنی سبک بین نثر مرسل و نثر فنی، در شعر نیز شاهد چنین تحولی هستیم. در این دوره شیوه‌ای بین دو سبک خراسانی و سبک عراقی شکل گرفت که در تقسیم‌بندی سبک شعر فارسی، امروزه به «سبک بینابین» نامبردار شده است. در همین زمان شاعران بزرگی در حوزه اران (آذربایجان فعلی) به ظهور پیوستند که شیوه شعری آنها را «سبک آذربایجانی» گویند.

قرن هفتم هجری مصادف با یکی از تحولات عظیم تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران است. حمله دهشتناک و خونبار مغول که در سال ۶۱۶ هجری شروع شد، به کشتار وسیع طبقات مختلف مردم و غارت و ویرانی سرمایه‌های مادی و معنوی قوم ایرانی انجامید. تسلط مغولها بر مقدرات قوم ایرانی، تأثیر عمیقی بر فرهنگ و تمدن ایرانی داشت و در نهایت به انحطاط آن انجامید؛ چنانکه بسیاری از شهرهای بزرگ علمی و ادبی ایران، ویران و خالی از سکنه شد؛ بسیاری از علما، نویسندگان، شاعران و متفکران ایرانی، یا از دم تیغ گذرانده شدند و یا برای نجات جان، مجبور به ترک مسکن و مأوای خود شدند؛ غالب کتابخانه‌های بزرگ در شهرهای پرجمعیت ماوراءالنهر و خراسان از بین رفت؛ بسیاری از خاندانهای بزرگ که مروجان علم و حامیان عالمان و ادیبان بودند به یکباره بربافتدند؛ فقر عمومی بر کل جامعه سایه گسترد و در نهایت آسیبهای جدی به تمدن و فرهنگ ایرانی وارد شد. با این همه «آنچه فرهنگ ایرانی را از ورطه نابودی نجات بخشید، وجود شخصیت‌های برجسته‌ای چون خواجه نصیرالدین طوسی، قطب‌الدین شیرازی، قاضی بیضاوی، نجم‌الدین دیران، شمس‌الدین آملی، عضدالدین ایجی، میر سید شریف جرجانی، سعدالدین تفتازانی، و در شعر فارسی، سعدی، مولوی، خواجه‌ی کرمانی، اوحالدین مراغه‌ای، میرحسینی، سلمان ساوجی، حافظ و... و در نثر عظاملک جوینی، رشیدالدین فضل‌الله، و صاف‌الحضره، و ... بود.»^۱

در قرن هشتم اوضاع داخلی ایران شکل دیگری یافت. اکثر حکومت‌های محلی که مستقیم یا غیر مستقیم تحت نفوذ امرای مغول بودند، تجزیه و به حکومت‌های کوچک محلی تبدیل شدند. انقلاب و حوادث دوباره آسایش را از مردم سلب کرد. وزرای مقتدری که در

۱. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، تلخیص محمد ترابی، ج دوم، ج سوم، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۸، ص ۱۷-۱۸.

قرن پیش حضور داشتند و از علم و ادب حمایت می کردند، در این قرن ظهور نیافتند. تنها خاندانهای بزرگ و انگشت شماری که این کار را انجام دادند، خاندانهای آل مظفر و آل جلایر بودند که در فارس و یزد به سر می بردند.^۱

شعر فارسی در قرنهای ششم تا نهم

در دوره مورد مطالعه ما شعر فارسی از نظر سبکی متنوع است. برخی شاعران مانند معزی و ادیب صابر به سبک خراسانی علاقه مند بودند و شیوه شاعران بزرگ این سبک (فرخی و عنصری) را با اندک تغییراتی ادامه می دادند. برخی شاعران مثل انوری و ظهیر فاریابی از سبکی خاص پیروی می کردند. سبک شعری آنان حلقه واسطه بین سبک خراسانی و عراقی بود که بعدها به «سبک بینابین» نامدار شد. برخی از شاعران حوزه آذربایجان مانند خاقانی و نظامی سبک خاصی به وجود آورده اند که آن را «سبک آذربایجانی» نامیده اند. شعر بعد از عصر مغول (قرن هفتم) به شعر «سبک عراقی» شهرت یافته است.

در این کتاب، معرفی شرح احوال و آثار و نمونه های شعری شاعران این دوره - به ترتیب سیر تاریخی - بر اساس مکتب ادبی یا سبک شعری شاعران طبقه بندی شده است. بر اساس اتفاق عمومی غالب منتقدان ادبی، شعر عصر سلجوقی تا حمله مغول به سه دوره سبکی، و شعر بعد از حمله مغول تا قرن نهم به یک دوره سبکی قابل تقسیم است؛ بنابراین شاعران این مقطع تاریخی بر اساس سبک یا تسامحاً مکتب ادبی شان، به چهار طبقه تقسیم می شوند:

۱. شاعران مکتب ادبی خراسان؛

۲. شاعران مکتب ادبی بینابین (سبک سلجوقی)؛

۳. شاعران مکتب ادبی آذربایجان؛

۴. شاعران مکتب ادبی عراق.

البته باید توجه داشت که این تقسیم بندی، کاملاً دقیق و بدون خدشه نیست؛ چرا که مقولات اجتماعی و فرهنگی یک شبه و بدون مقدمه زاده نمی شود، بلکه ممکن است در طول چند دهه شعر برخی شاعران هم ویژگیهای شعر دوره گذشته و هم برخی ویژگیهای

۱. نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر فارسی، ج اول، تهران: انتشارات کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ص ۱۷۰.

دوره آینده را داشته باشد. همچنین ممکن است شاعری از نظر زمانی در دوره‌ای باشد، ولی شعرش با همان ویژگیهای شعری دوره قبل سروده شده باشد. علاوه بر این گاه برخی سبکهای فردی برای دوره‌ای کوتاه مدت مورد توجه برخی شاعران قرار می‌گیرد و بعد از اندک زمانی، از یاد می‌رود و یا به سبک دیگری تغییر شکل می‌دهد.

www.ketab.ir